

## فوق عقل چیست؟ بخش انسانی وجود ما چه نام دارد و چه کارکردی دارد؟

### فوق عقل چیست؟ بالاترین مرتبه از مراتب وجود انسان فوق عقل، قلب یا بخش انسانی نام دارد.

ما از محدودیت بیزاریم و همیشه به دنبال پشت سر گذاشتن حد و مرزهای از پیش طراحی شده هستیم، با این وجود بخشی از وجودمان که بیشتر با آن در انس و ارتباطیم، بخش مادی و محدود وجودمان است. بخشی که تمامی ادراکش<sup>۱</sup> در محدودهٔ عالم ماده خلاصه می‌شود و به همین دلیل هم دارای چهارچوب و محدودیت است. در بین قوای پنجگانهٔ وجود ما فوق عقل تنها بخش نامحدود و بی‌نهایت است، بخشی که به بی‌نهایت کشش دارد و زوج و معشوقش کمال مطلق است. اما فوق عقل چیست؟

اولین و ساده‌ترین پاسخ به سوال فوق عقل چیست، این است که؛ فوق عقل یکی از مراتب پنجگانهٔ وجود ماست که وظیفهٔ ارتباط با غیب را بر عهده دارد. روح یا نفخهٔ الهی پس از ورود به جسم نام نفس را به خود می‌گیرد و این نفس از قوا و مراتب گوناگونی تشکیل می‌شود که یکی از آنها فوق عقل است. در تکمیل پاسخ به سوال فوق عقل چیست باید بگوییم که، فوق عقل بالاترین مرتبه از مراتب وجود ماست، که بیشترین فاصله را با عالم ماده دارد. قوه‌ای بالاتر از عقل، وهم، خیال و حس که چهارچوب‌های مادی را می‌شکند و خود را به بی‌نهایت متصل می‌کند.

شاید این نام برای شما تازه یا ناملموس باشد و شاید این سوال برای تان ایجاد شود که نام‌های دیگر فوق عقل چیست، آیا ممکن است این بخش را با نام دیگری بشناسیم؟ در فلسفهٔ اسلامی برای نامیدن این بخش از وجود علاوه بر فوق عقل از اصطلاحاتی مانند قلب، بخش انسانی یا فوق مجرد هم استفاده می‌شود. اما با تمام این توضیحات بخش ناشناختهٔ وجود ما یا همان فوق عقل چیست؟

<sup>۱</sup> [مراحل و درجات ادراک](#)

## فوق عقل، قلب یا بخش انسانی وجود چیست؟

نفس انسانی ما پنج قوه دارد که تا اینجا چهارتا از آنها را به تفصیل توضیح داده‌ایم: حس، خیال، وهم، عقل و فوق عقل. هر کدام از این بخش‌ها زوج یا معشوق خاص خودشان را دارند. به بیان دیگر قوای نفس ما از حس که جسمانی‌ترین قوه است شروع شده و تا فوق عقل که غیرمادی‌ترین و یا مجردترین قوه و مرتبهٔ نفس است، ادامه پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> بخش فوق عقلی وجود ما تنها بخش نا محدود وجود ماست که با امور ماورای ماده در ارتباط است و از این امور تغذیه کرده و رشد می‌کند. ارتباط ما با عالم غیب یا همان عالم غیرمادی توسط قوهٔ فوق عقلانی وجودمان ممکن می‌شود.

نفس ما مجموعه‌ای از تمامی قوا و مراتبی است که تا اینجا در مقالات مختلف از آنها سخن گفته‌ایم، ما تنها زمانی به آرامش دست پیدا می‌کنیم، که از میان این همه، یک بخش حاکمیت وجودمان را به دست بگیرد. همان طور که در مقالات قبلی اثبات کردیم ما وجودی کمال‌گرا و بی‌نهایت‌طلبیم؛ در نتیجه تنها بخش بی‌نهایت وجود ماست که می‌تواند حاکمی عادل برای این وجود ناآرام باشد، چون تنها این بخش وجود ماست که از بی‌نهایت ساخته شده است.<sup>۳</sup>

بخش فوق عقلی وجود ما معصوم است و آلودگی ندارد و اگر دچار مشکل شود و قادر به برقراری ارتباط با عالم غیب نباشد، یا از خوراک معنوی لذت نبرد، مربوط به ورودی‌های ناسالم از دیگر قوای نفس است. فوق عقل نسبت به سایر قوا در اوج لطافت بوده و لذت‌های مربوط به آن هم از سایر لذت‌ها عمیق‌تر و بالاتر است. هرچه تجربهٔ لذت‌های فوق عقلانی در وجود ما بیشتر شود، از سلامت عاطفی و مهرورزی بیشتری برخوردار می‌شویم.

همهٔ انسان‌ها از لذات حسی، خیالی، وهمی، عقلی و فوق عقلی برخوردارند؛ ولی حجاب ماده مانع از تأثیر قوی این لذات بر انسان است، هر قدر ما از لذات مادی فاصله بگیریم، درکمان از لذت‌های فوق عقلی بیشتر و ماندگارتر خواهد شد. رشد بخش فوق عقلی ما با تغذیه از محبوب و معشوق خود و از طرف دیگر با تغذیهٔ مناسب بخش‌های پایینی اتفاق می‌افتد.

حسن‌زاده آملی، 1380-ج: 216؛ همو، 1369-1379، ج: 5، 2148

ملاصدرا 3

## کار بخش فوق عقل چیست؟

فوق عقل ارتباط انسان با تمامی ساحت‌های غیرمادی جهان را برقرار می‌کند. درک ما از جهان غیب و برقراری ارتباط میان ما با ماوراء این جهان حسی و ملموس بر عهده فوق عقل ماست. کسب لذت‌های معنوی و رشد انسانی ما به بخش فوق عقلانی وجود ما مربوط است. کشف فرمول‌های موجود در نفس و حرکت در مسیر کمال از ویژگی‌های فوق عقل است. در واقع تفاوت ما با تمامی موجودات عالم ماده تنها به همین بخش مربوط است. ما به واسطه برخورداری از فوق عقل است که انسانیم و توانایی رشد انسانی داریم.

همان طور که گفتیم بخش‌های پایینی وجود ما در اجسام، گیاهان، حیوانات و فرشتگان هم وجود دارد و تنها بخش از وجود ما که فقط و فقط مختص انسان‌هاست، همین بخش فوق عقلانی است. این بخش از وجود ما متعالی‌ترین بعد و قوه در عالم ماده است. انسان بی‌نهایت طلب و کمال گراست. منشاء این احساسات و امیال به بخش انسانی وجود ما بازمی‌گردد. بخش انسانی وجود ما از منشاء بی‌نهایت خود جدا شده و خاطره بی‌نهایت بودن را با خود به عالم محدود ماده آورده است. این میل به اندازه‌ای قوی است که تمامی تلاش‌های ما را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و اگر در مسیر درست قرار نگیرد هیچ‌گاه به آرامش و شادی نخواهیم رسید. تنها بخشی از وجود ما که توانایی بی‌نهایت بودن را دارد، بخش فوق عقلانی وجود ماست.

## حفظ تعادل انسانی

نباید فراموش کنیم که بدون بخش‌های پایینی وجودمان، نه تنها چیزی به نام انسان نخواهیم بود، بلکه بخش فوق عقلمان هم معنایی نداشته و فعال نمی‌شود. ما در حقیقت به سلسله‌ای از فعالیت‌های حسی، خیالی، وهمی و عقلانی احتیاج داریم تا به فوق عقلمان خدمت کنیم. اما اگر این فعالیت‌ها از حدی بیشتر شوند و بر فوق عقل ما غلبه کنند، ما را از حالت تراز و

انسانی‌مان خارج می‌کنند. وقتی انسانی متعادل خواهیم بود که تمام مراتب وجودمان تحت کنترل و فرماندهی فوق عقل عمل کنند.

فوق عقل برای ما حکم ناخدایی را دارد که اگر هدایت کشتی وجودمان را بر عهده بگیرد، ما را به مقصد خواهد رساند. پس همان‌طور که در بحث‌های قبلی هم اشاره کردیم، بخش‌های حسی، خیالی، وهمی و عقلی ما همگی لازمند، اما به شرطی که به عنوان یک ابزار عمل کنند. ملاک کارایی و ارزشمند بودن این بخش‌ها هم این است که منجر به شکوفایی فوق عقل می‌شوند یا نه.

ما در این مقاله به پاسخ این سوالات پرداختیم که فوق عقل چیست؟ خصوصیات زوج و محبوب ویژه فوق عقل چیست؟ منشاء فوق عقل چیست و چرا فوق عقل مهم‌ترین بخش وجود ماست؟ رابطه آن را به عنوان مرتبه بالاتر از عقل خود، با سایر مراتب نفسمان بررسی کردیم و از اهمیت در رأس نگه داشتن فوق عقل برای حفظ تعادل انسانی‌مان صحبت کردیم. گفتیم که فوق عقل ما تنها بخش نامحدود وجود ماست که توانایی و ظرفیت دریافت بی‌نهایت را دارد، اما مصداق بی‌نهایت محبوب ما در جهان چیست؟